

مشاغل فراموش شده

Out of Date Jobs

شغل‌هایی که در گذشته از رونق اقتصادی مناسب برخوردار بوده و عده زیادی با آن کسب درآمد و امرار معاش می‌کردند، اما در گذر زمان با توجه به اقتضات دنیای جدید به تدریج از بین رفته یا در معرض نابودی قرار گرفته‌اند و امروزه نیز مهجور مانده یا منسوخ شده‌اند. به کارگیری ظرفیت آموزش‌های علمی-کاربردی به‌منزلهٔ مراکزی برای آموزش‌های مهارت‌محور، عامل مؤثری در احیای اصولی و علمی بسیاری از مشاغل است.

تصویری از مشاغل قدیمی در آمار و ارقام از گذشته تاکنون

الف) مشاغل در سدهٔ گذشته

مطالعهٔ وضعیت این مشاغل تا پیش از دورهٔ جدید، دگرگونی‌های آنها را در عرصه‌های فعالیت نشان می‌دهد؛ برخی از این مشاغل کهن امروزه دیگر فعالیتی ندارند و در مواردی حتی نام آنها به فراموشی سپرده شده است. گزارش‌های موجود از مشاغل و اصناف در دورهٔ قاجار برخی از این مشاغل را تصویر می‌کند: در ۱۲۶۹ ه.ق. بازار تهران بسیار کوچک و دارای ۱۲۳۶ دکان و ۱۷ کاروان‌سرا بود. در این دوره، عرضهٔ محصولات صنعتی ۴۸ درصد کل معاملات بازار تهران را تشکیل می‌داد. پیشه‌ها و حرف اصلی بازار تهران و شمار آنها در این دوره عبارت بودند از: لندره‌دوزی (۱۹ باب)؛ پالان‌دوزی (۱۸ باب)؛ خزدوزی (۶ باب)؛ کپینه‌دوزی (۵ باب)؛ زین‌سازی (۲ باب)؛ آینه‌سازی (۱ باب)؛ قالی‌بافی (۱ باب)؛ دواتگری (۲ باب)؛ چیت‌سازی (۲ باب)؛ ترکش‌دوزی (۱۹ باب)؛ یخدان‌سازی (۴ باب)؛ رشتهٔ فلزکاری و آهن‌کاری و حرف وابستهٔ آن مانند چلنگری (۶ باب)، حدادی (۱۴ باب)، نعلچی‌گری (۴ باب)، ریخته‌گری (۱ باب)، شمشیرسازی (۴ باب)، غلاف‌گری (۳ باب)، و زنجیرسازی (۳ باب)؛ کلاه‌دوزی (۵۱ باب)؛ کفش‌دوزی و ارسی‌دوزی (۱۸ باب)؛ لوفافی (۲۸ باب)؛ زرگری (۱۵ باب)؛ حلاجی و لحاف‌دوزی (۱۲ باب)؛ شماعتی (۱۶ باب) (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۹۹-۱۰۱).

دومین گزارش از وضعیت اصناف اصفهان در دورهٔ

قاجاریه است که در آن اصناف و مشاغل مهم این شهر چنین ذکر شده است: جماعت صباغ‌قذک، قناد، عطارد، چیت‌ساز، علاقه‌بند، فخار، بزاز، بزاز دوره‌گرد، حداد سقط و حداد خورده، پیله‌ور، عصار روغن، عصار ارده، حمصی (نخودبریز)، حکاک، خراط، سیم‌کش، زرکش، زری‌باف، گلابتون‌دوز، نقره‌دوز، قلاب‌دوز، خیاط‌بازاری، لندره‌دوز، کلاه‌دوز، کلیچه‌دوز، خزدوز، پوستین‌دوز، [کفش] گرجی‌دوز، ارسی‌دوز، چرمی‌دوز، چکمه‌دوز، ساغری‌دوز، ساغری‌چی، نقش‌دوز، ده‌یک‌دوز، پولک‌دوز، گلچه‌دوز، سکمه‌دوز، چادردوز، پاره‌دوز، سراج، دل‌دوز، نساج، شعرباف، چادرشب‌باف، مشک‌باف، جهک‌باف، زنجیره‌باف، لنگ‌باف، عباباف، احرامی‌باف، بوریا‌باف، پیژری‌باف، صراف، صحاف، نداف، اکاف، لوف، علاف، رصاف، تحاف، نعل‌بند، نعلیچه‌گر، زرگر، نقاش زرگر، شیشه‌گر، کاغذگر، قفل‌گر، فوادگر، دواتگر، سوزن‌گر، کاردگر، نشاسته‌گر، ریخته‌گر، رفوگر، مسگر، صفار، منبت‌گر، سنباده‌کار، ابریشم‌کار، مقواساز، شمشیرساز، قمه‌ساز، تفنگ‌ساز، چخمحاق‌ساز، صندوق‌ساز، مجری‌ساز، قوطی‌ساز، حلبی‌ساز، نی‌پیچ‌ساز، قلیان، زره‌ساز، کلاه‌خود و چهار آینه‌ساز، کمان‌ساز، قیچی‌ساز، آینه‌ساز، پاشنه‌ساز، چاقوساز، خاتم‌ساز، بساط‌انداز، شال‌انداز، سمسار، نجار و حجار (تحویل‌دار، ۱۳۸۸: ۱۱۱-۱۴۴). گزارش سوم به مشاغل و پیشه‌ها و اصناف شهر مشهد اختصاص دارد. بنابر این گزارش، در اواخر سدهٔ ۱۳ ه.ق. در شهر مشهد حدود نود و دو شغل تولیدی و غیرتولیدی وجود داشت که از میان آنها، آنچه در فهرست پیشه‌ها و اصناف تهران و اصفهان دیده نمی‌شود، عبارت است از: قالیچه‌باف، نم‌مال، دباغ، پوستین‌دوز، گچ‌پز، خراط، صفار، چرخ‌تاب، قلاب‌باف، باروت‌کوب، بوریا‌باف، پیله‌کش، تسبیح‌ساز، تنورساز، جاده‌ساز، جولاه، خاک‌شور، خرقة‌دوز، رشمه‌ساز، روغن‌کش، روغن‌گیر، زرکش، زغال‌سوز، زهتاب‌ساغری‌دوز، ساغری‌ساز، سلسله‌دوز، سنگ‌ساب، سوهان‌ساز، شانه‌بند، شانه‌ساز، صابونی، صیقل‌کش، غوزه‌کش، فانوس‌ساز، فیروزه‌تراش، قلاب‌دوز، قمچی‌ساز، کاشی‌پز، کاشی‌ساز، کاغذگر، کلاه‌مال، کنده‌کار، کوزه‌گر، گازر، گلاب‌گیر، لحیم‌گر، لخته‌دوز، مجری‌ساز، مخملباف، مسگر، ملاس‌گیر، منبت‌کار، موتاب

مهرساز، و نمک‌سازی (قاجارقوانلو، ۱۳۸۲).

گروه دیگری از مشاغل نیز در این فهرست‌ها حضور دارند که هنوز به حیات خود ادامه می‌دهند، اما امروزه در بازار تهران و شهرهای بزرگ و متوسط دچار وضعیتی دشوار شده‌اند؛ مشاغلی چون چاقوسازی، مسگری، صندوق‌سازی، آهنگری، حلبی‌سازی، پالان‌دوزی، دباغی، سراجی، حلاجی، زین‌سازی و مانند آن که از نظر تعداد کم‌شمارند و عموماً آخرین واحدهای بازمانده آنان در بازارها رو به تعطیلی است. چنین مشاغلی در وضعیتی متناقض بین گذشته و اکنون قرار گرفته و چون قادر به تطبیق خود با شرایط جدید نبوده‌اند، ناگزیر به تدریج از گروه‌های موجود شغلی حذف می‌شوند (یوسفی‌فر، ۱۳۸۹؛ رنجبران، ۱۳۹۲؛ صفری، ۱۳۹۰؛ مهینی خداوردی، ۱۳۸۸).

در فاصله سال‌های ۱۲۶۹ تا ۱۳۲۰ ه.ق.، سرشماری‌های دیگری از شهر تهران صورت گرفت. در این مدت، برخی مشاغل جدیدی همچون ساعت‌سازی، نفت‌فروشی و نظایر اینها در شهر ظاهر شده بود، اما ماهیت حرفه‌های موجود تغییر زیادی نکرده بود. ظهور این مشاغل جدید نشان‌دهنده رشد و تحرک تدریجی اقتصاد بازار است. این روند ایجاد مشاغل جدید تا دوره پهلوی ادامه یافت. در این دوره، فعالیت‌های تجاری و تولیدی در بازار بر سایر کاربری‌های آن غلبه کرد. با وجود محدودیت‌های آماری، برآورد آن است که در دهه آخر حکومت پهلوی صاحبان بین ۲۰ تا ۳۰ هزار واحد تجاری در درون بازار و خیابان‌های اطراف آن به فعالیت مشغول بودند (یوسفی‌فر، ۱۳۸۹: ۸۵). در این سال‌ها، مهم‌ترین پیشه‌ها و حرف در محله بازار عبارت بودند از: حلوائی، نخودبریزی، کلاه‌دوزی، نجاری، خیاطی، آهنگری، علاقه‌بندی، مسگری، نعل‌بندی، دواتگری، دباغی، حکاکی، سراجی، صابون‌پزی، صباغی، رزازی، زین‌سازی، چادردوزی، خزدوزی، نمدمالی، سنگ‌تراشی، کاسه‌گری، حلبی‌سازی، معدنچی، پالان‌دوزی، شیشه‌بری، و غیره (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۱۰۵).

آماري نیز از مشاغل در ۱۳۰۱ ه.ش. وجود دارد که خود مؤید نکاتی است. نگاهی به مشاغل و حرف تولیدی رایج در تهران سال ۱۳۰۱ تحولاتی اساسی را در زمینه‌های کار

حرفه‌ای و صنف‌بندی مشاغل کهن ایران نشان می‌دهد. مقایسه این فهرست با فهرست مشاغل موجود در تهران یا اصفهان، تحولات عرصه محصولات مصرفی و تنوع وسایل زندگی ایرانیان را برجسته‌تر ترسیم می‌کند (یوسفی‌فر، ۱۳۸۹: ۸۵). آمار کمی این مشاغل در این سال عبارت است از: نساجی (بافنده) (۵۰)، جوراب‌بافی (۵۶)، پشم‌پاک‌کنی (۱)، پشم‌تابی (۵)، کلاه‌مالی (۱۹)، قالی‌بافی (غیرخانگی) (۵۰)، نمدمالی (۸)، پالان‌دوزی (۲۱)، مسگری (۷۰)، نجاری (۵۰۲)، خراطی (۲۰)، تارسازی (۱۲)، تعمیر چتر (۲)، عصاصازی (۲)، غربال‌بافی (۱۰)، سیم‌کشی و کارهای برقی (۱۲)، تعمیر اتومبیل (۱۰)، دوچرخه‌سازی (۲۳)، آهنگری (۱۸۰)، نعلچه‌گری (۲۹)، آهن‌سازی (شیروانی و غیره) (۵۶)، نعل‌بندی (۲۰)، آهن‌تراشی (تراشکاری) (۸)، حلبی‌سازی (۱۲۵)، علاقه‌بندی (۴۰)، قلاب‌دوزی (۵)، لوفی (۴۲)، حصیربافی (۱۵)، دباغی (۱۳)، سراجی (۳۶)، زهتابی (۶)، دواتگری و تعمیر سماور (در قرن سیزدهم هجری شمسی دوات‌گری، شغلی برای تهیه دوات و دوات‌دان یعنی قلمدان بود و چون کار دوات‌گری با ورود قلم فرانسه و جوهر و قلم‌های نوک آهنی و پس از آن خودنویس رو به زوال گذاشت، به تدریج دوات‌گرها کار اولیه خود را به سماورسازی و ادوات برنجی تبدیل کرده و سماورساز شدند) (۵۳)، سفیدگری (قلع‌اندود کردن ظروف مسی) (۴۵)، آینه‌سازی (۷)، شیشه‌بری (۲۲)، شیشه‌گری (۴)، کاشی‌پزی (۱۰)، سرچق و سرقلیان‌ساز (۳)، رنگرزی پارچه (۴۰)، نقاشی اتومبیل (۱)، تعمیر زین‌کاری و درشکه (۱۴)، عصارای (۷)، صابون‌پزی (۷)، گلاب‌گیری (۲)، ماست‌بندی (۱۴)، خبازی (۲۳۳)، اسلحه‌سازی (۱۰)، چاقوسازی (۱۰)، قفل‌سازی (۱۰)، ریخته‌گری (۳۵)، چرخ‌کاری (فلزات) (۷)، نقره‌سازی و میناکاری (۵)، دواتگری (ساخت اشیای فلزی به روش سرد به دواتگری معروف است، که شاید بتوان گفت از نخستین شغل‌هاست و سابقه چند هزار ساله دارد. در آغاز دواتگران با کوبیدن یک قطعه سنگ بر روی فلز سرد، ظرف یا شیء ساده را می‌ساختند) (۲)، خیاطی (۳۹۰)، رفوگری (۱۱)، کفش‌دوزی (۲۲۰)، گیوه‌بافی (۲۰)، تخت‌کشی (۹)، پینه‌دوزی (۳۱۰)، مبل‌سازی (۱۲)،

بهداشتی-لوازم کودک (۲۱۸۸)، لوازم التحریر-چاپ و نشر (۱۸۳۹)، طلا و جواهر-ساعت (۶۵۶)، لوازم خانگی و تزئینی (۱۵۹۰)، لوازم و مواد دخانی (۳۹۱)، خواروبار-خشکبار و عطاری (۱۷۶۶)، شیرینی جات (۸۹)، رنگ و محصولات پلاستیکی (۵۲۴)، رستوران-غذیه‌فروشی و نانوایی (۲۸۳)، نخ و الیاف گونی (۳۴۸)، ابزار و فلزات (۲۵۶)، سایر مشاغل (۷۵) و ۷۷۶۹ واحد بسته و خالی-انباری و حجره نامشخص در هنگام آمارگیری (یوسفی‌فر، ۱۳۸۹: ۸۶).

با توجه به آمار اتاق اصناف تهران، هم‌اکنون ۱۳۵ اتحادیه زیر نظر این تشکل فعالیت می‌کنند که در این میان مواردی چون صنف نبات و آب‌نبات ریز و قندریزان، کفاشان دست‌دوز، فخاران، عطاران، سقط‌فروشان، صحافان، صباغان، سراجان، خرازی‌فروشان در رده اصنافی هستند که در زمره مشاغل قدیمی محسوب شده و از گذشته فعالیت دارند (اتاق اصناف تهران: ۱۳۹۹).

براساس نتایج آمارگیری نیروی کار در ۱۳۹۶، گروه‌های عمده شغلی در کشور عبارت‌اند از: ۱. قانونگذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران؛ ۲. متخصصان؛ ۳. تکنسین‌ها و دستیاران؛ ۴. کارمندان امور دفتری و اداری؛ ۵. کارکنان خدماتی و فروشندگان فروشگاه‌ها و بازارها؛ ۶. کارکنان ماهر کشاورزی، جنگل‌داری و ماهیگیری؛ ۷. صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط؛ ۸. متصدیان و مونتاژکاران ماشین‌آلات و دستگاه‌ها و رانندگان وسایل نقلیه؛ و ۹. کارگران ساده. بر همین اساس، از میان شاغلان کل کشور، ۱۹/۵ درصد در گروه شغلی «صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط»، ۱۵/۹ درصد در گروه شغلی «کارکنان خدماتی و فروشندگان فروشگاه‌ها و بازارها» و سپس ۱۳/۸ درصد نیز در گروه شغلی «کارکنان ماهر کشاورزی، جنگل‌داری و ماهیگیری» مشغول به کار بوده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). سهم کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر از اشتغال صنعت، در بین صنایع مختلف در کشور در ۱۳۹۳ (براساس درصد) به این ترتیب است:

صنایع مواد غذایی و آشامیدنی: ۱۶/۵؛ تولید محصولات از

چادر دوزی (۸)، حلاجی (۷)، خاتم‌سازی (۷)، پیانوسازی (تعمیر) (۱)، کشک‌سابی (۷)، کره‌سازی (۶)، لیمونادسازی (۵)، قنادی (۸۶)، کلاه‌دوزی (۹۵)، عبادوزی (۳)، مندیله‌پچی (۲)، تابلوسازی (۲)، ساعت‌سازی (تعمیر) (۱۰)، زرگری (۳۱)، جواهرسازی (۷)، حکاکی (۵)، اره‌سازی (۱)، سیخ و سه‌پایه‌سازی (۲)، باروت‌کوبی (۱)، بشکه‌سازی (۳)، بلور تراشی (۱)، پرده‌دوزی (۳)، پارچه‌دوزی (۶۰)، حلویات‌پزی (۲۳)، قلم‌زنی (۳)، پاروسازی (۵)، گیوه و ملکی‌دوزی (۶)، مکانیکی (۶)، منبت‌کاری (۳)، ماهوت پاک‌کن‌سازی (۴)، یخدان‌سازی (۴۰)، نیکل‌سازی (۱)، نشاسته‌گری (۱)، حقه و وافورسازی (۲)، یراق‌بافی (۱۰)، قاب‌سازی (۴)، قوطی‌سازی (۷)، کروک‌سازی (۲)، گالش‌سازی (تعمیر) (۴)، پوست انارکوبی (۲) (شهری، ۱۳۶۹، ج ۱: ۷۸-۸۴).

ب) دوره معاصر

در اواخر دهه ۱۳۵۰، ۳۳ نوع فعالیت در راسته‌های بازار تهران در حدود ۳۰ هزار واحد مشاهده می‌شد که در تشکیلات دوازده‌گانه صنفی تمرکز داشتند. بیشترین تعداد واحدهای تجارتي، تقریباً حدود ۶ هزار واحد، به فروش فرش اختصاص داشت. واحدهای تجاری تریکو و جوراب، بزازی و انبار پارچه، پوشاک، زرگری و ساعت‌فروشی، کفاشی و سراجی و چرم‌فروشی در مراتب بعدی بودند. به همین روال، بیشترین تعداد شاغلان در بازار در حرفه فرش سپس تریکو، پوشاک، و پارچه دیده می‌شد. در آن سال‌ها حدود ۱۶۳۸ نفر در بازار فعالیت داشتند (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۵۸، ج ۲).

براساس برداشت میدانی و اطلاعات آماری مربوط به واحدهای مکانی-شغلی در ۱۳۸۵، بیش از ۳۷،۲۴۵ واحد مکانی-شغلی شامل مغازه، حجره، کارگاه، انباری بسته و خالی در بازار تهران وجود داشت. این آمار در ۱۶ گروه شغلی به این شرح ادغام شده است: لباس و پوشاک (۷۳۷۳)، منسوجات (۶۱۷۵)، فرش و موکت (۲۹۱۸)، کفش و پاپوش-کیف و سراجی (۳۰۰۵)، خرازی-آرایشی

توتون و تنباکو-سیگار: ۰/۵۴؛ تولید منسوجات: ۶/۴؛ تولید پوشاک- عمل آوردن و رنگ کردن پوست خزدار: ۰/۵۸؛ دباغی و عمل آوردن چرم و ساخت کیف و چمدان و زین و یراق و تولید کفش: ۰/۵۵؛ تولید چوب و محصولات چوبی و چوب‌پنبه- غیر از مبلمان- ساخت کالا از نی و مواد حصیری: ۰/۷؛ تولید کاغذ و محصولات کاغذی: ۱/۸؛ انتشار و چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط‌شده: ۰/۵۸؛ صنایع تولید زغال کک-پالایشگاه‌های نفت و سوخت‌های هسته‌ای: ۲؛ صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی: ۱۰/۴؛ تولید محصولات لاستیکی و پلاستیکی: ۴/۸؛ تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی: ۱۳؛ تولید فلزات اساسی: ۱۰/۳؛ تولید محصولات فلزی فابریکی به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات: ۵/۹؛ تولید ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی‌نشده در جای دیگر: ۶/۲؛ تولید ماشین‌آلات اداری و حسابگر و محاسباتی: ۰/۵؛ تولید ماشین‌آلات مولد و انتقال برق و دستگاه‌های برقی طبقه‌بندی‌نشده در جای دیگر: ۳/۷؛ تولید رادیو و تلویزیون و دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی: ۰/۵۸؛ تولید ابزار پزشکی و ابزار اپتیکی و ابزار دقیق و ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت: ۱؛ تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم‌تریلر: ۱۱/۴؛ تولید سایر وسایل حمل‌ونقل: ۱/۱؛ تولید مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی‌نشده در جای دیگر: ۱/۴؛ بازیافت: ۰/۰۲ (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶).

پیشینه تاریخی و اقتصادی زوال برخی مشاغل

شغل به معنی کار و پیشه (معین، ۱۳۷۱: ۲۰۵۰) است و کاری که شخص در زندگی برای خود انتخاب کرده است (دهخدا، ۱۳۴۹: ۴۱۹) شغل وسیله‌ای است که به‌واسطه آن امرار معاش می‌کنند. در اینجا، منظور فعالیت است که فرد با آن ارتزاق می‌کند، بنابراین فعالیت‌هایی که بیشتر جنبه سرگرمی دارند، مدنظر نیست. تمرکز اصلی این جستار بر مشاغل فراموش شده در ایران است و به گروهی از شغل‌ها اشاره دارد که در طول سده گذشته وجود داشتند، اما در گذر زمان یا به‌کلی از بین رفته‌اند یا در حال زوال‌اند. تغییرات

اجتماعی و فرهنگی که با گذر زمان در جوامع بشری اتفاق می‌افتد، امری اجتناب‌ناپذیر و بدیهی است و جامعه ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نیست. در حوزه فرهنگی و اجتماعی بسیاری از این تغییرات کلان هستند. آداب‌ورسوم، عادات، باورها، شیوه‌های گذران اوقات فراغت، صنایع دستی، و شیوه‌های کسب‌وکار جملگی در گذر زمان از مفاهیم و چارچوب‌های گذشته خود فاصله می‌گیرند. بسیاری از اموری که از تحولات اجتماعی جا مانده یا نتوانستند در مقابل آنها مقاومت کنند، در مواردی محکوم به فراموشی شدند. حرفه‌ها و مشاغل سنتی ایرانی یکی از این حوزه‌ها است که با گذر زمان دچار تحولات قابل‌توجهی شده است. بسیاری از این حرفه‌ها از مسیر ناگزیر آینده جا مانده‌اند یا چون نتوانستند خود را با تغییرات همگام کنند، به فراموشی سپرده شده و در عرصه رقابت با مشاغل جدیدتر و پرتعدادتر از چرخه اقتصادی حذف شدند. بخشی از این فرایند در یک روند طبیعی اتفاق می‌افتد، اما در مواردی دیگر بسیاری از مشاغل ناآگاهانه و تنها به‌سبب پیروی از گرایش به نو شدن به محاق رفتند. همین مسئله سبب شد که عموماً با مرگ صاحب یک شغل، دانش و مهارت‌های مربوط به آن نیز فراموش شود. درحالی‌که در گذشته‌ای نه چندان دور، بسیاری از این مهارت‌ها سینه‌به‌سینه و از راه آموزش پدران به فرزندان یا نظام منسجم استاد-شاگردی منتقل می‌شد. دارندگان این مشاغل اکنون عموماً سالخورده‌گانی هستند که در مغازه‌های کوچک و خاک‌گرفته درآمدی اندک کسب می‌کنند و شغل آنها برخلاف روال گذشته، دیگر سینه‌به‌سینه منتقل نمی‌شود چراکه برای فراگرفتن آن، خواهانی وجود ندارد.

در طول سده گذشته، با تغییرات گسترده، زمینه ترک برخی آداب‌ورسوم، سنت‌ها و علائق و همین‌طور تغییر الگوی مصرف فراهم شد. از سال‌های میانی سده سیزدهم ق. سده نوزدهم م. هم‌زمان با گسترش روابط ایران با دولت‌های اروپایی، وضعیت نیمه‌استعماری در ایران پدید آمد. از پیامدهای اقتصادی این وضعیت می‌توان به ادغام اقتصاد ایران در شبکه اقتصاد جهانی، از میان رفتن بازارهای محلی، افزایش واردات و گرایش به مصنوعات غربی، زوال

نظام کهن صنفی در ایران و بسیاری از کشورهای منطقه سرعت گرفت. نام بسیاری از این مشاغل در آمارگیری سال ۱۳۰۱ از مشاغل و حرف آمده است، شغل‌هایی که مواجهه با دوره مدرن و تغییر سبک زندگی، سبب از میان رفتن یا زوال نسبی آنها شده است.

مثال بارز در زمینه زوال شغلی، افول صنایع نساجی کشور در گذر زمان است؛ گزارش جغرافیای اصفهان شواهد قابل توجهی از زوال برخی صنایع ارائه می‌دهد. در این اثر ضمن اشاره به کسادی کسب‌وکار صنف نساج، بی‌رغبتی به منسوجات داخلی چنین توصیف شده است: «مردم ایران جسم و جان خود را رها کردند و دنبال رنگ و بوی دیگران بالا رفتند و در واقع در این مرحله به ضررها رسیدند و درست ملتفت نیستند چنانچه الان به‌خصوص [در] لباس ارزان معقولانه مقرون‌به‌صرف و دوام حیران‌اند» (تحویلدار، ۱۳۸۸: ۱۲۰). صنعت نساجی در ایران از سابقه طولانی و درخوری برخوردار بود و نقاطی همچون کاشان و یزد شهرت قابل توجهی در عرصه تولید پارچه داشتند. اما پس از پیشرفت در تولیدات صنعتی و صادراتی اروپا از نیمه سده نوزده میلادی، به‌ویژه در تولید و صادرات منسوجات نخی انگلستان، هجوم واقعی کالاهای وارداتی آغاز شد و مصرف این کالاها تأثیری کاهنده بر تولید صنایع ایران گذاشت (فلور، ۱۳۹۳: ۱). ابوت کنسول انگلیس در ایران به تنوع و طرح قابل توجه کالاهای تولیدی انگلیس اشاره می‌کند که با ارضاء حس تنوع‌طلبی مردم، به تدریج توانستند جایگزین کالاهای پنبه‌ای و ابریشمی ایران شوند (عیسوی، ۱۳۶۲). کرزن درباره مصرف همه‌گیر منسوجات خارجی در ایران می‌نویسد: «حقیرترین افراد اجناس ساخت منچستر تا مسکو می‌پوشند و کرباس نیلی کشور که زن روستایی بر پیکر بی‌قواره خود می‌اندازند از بمبئی وارد می‌شود... ایران در واقع از سر تا پا همه لوازم زندگی خود را باید از غرب بیاورد» (کرزن، ۱۳۸۷: ۶۶۷). سقوط صنعت بافندگی دستی بر سایر اصناف وابسته نظیر رنگرزان، حلاجان و کارگران تأثیر گذاشت و می‌توان گفت این مشاغل تقریباً از بین رفتند. با کاهش و افت توان اقتصادی، تقاضا برای

صنایع دستی، تسلط قدرت‌های استعماری بر بازرگانان و اصناف داخلی و به‌طورکلی وابستگی اقتصادی نسبت به قدرت‌های استعماری اشاره کرد (اشرف، ۱۳۵۹). با توجه به فرایند طبیعی و بدوی بودن ابزار و گزافی هزینه تولید محصولات و فرآورده‌ها و بازدهی پایین کار، تا زمانی که دروازه‌های اقتصاد جامعه به‌روی بقیه دنیا بسته باشد، تهدید جدی متوجه تولید بومی نیست، اما با گشوده شدن پای رقابت تجاری و سیاسی کشورهای دیگر و ورود کالاهای ارزان‌تر، این نظام طبیعی اگر مورد حمایت قرار نگیرد، توان رقابت را از دست داده و به تدریج عرصه را به رقبای می‌بازد و این معضل در قرن نوزدهم گریبانگیر صنایع دستی ایران شد (سیف، ۱۳۷۳).

ازسوی دیگر، شکست‌های پی‌درپی ایران از روسیه، زیان‌های مضاعفی از جمله اعطای امتیاز تجارت هر نوع کالا و معافیت از حقوق گمرکی به میزان پنج درصد به بازرگانان روسی به اقتصاد ایران وارد آورد. از پیامدهای اعطای چنین امتیازات ناعادلانه‌ای، تغییر در ترکیب صادرات ایران برای جبران کسری بازرگانی کشور بود که سبب شد ایران از کشوری که تا پیش از آن با اتکا به تولیدات صنایع پیشه‌وری قادر به تأمین نیازهای داخلی خود بود، به یکی از واردکنندگان کالای خارجی به‌ویژه در زمینه منسوجات تبدیل شود (رزاقی، ۱۳۸۱). ادغام ایران در اقتصاد جهانی اقتصاد ایران را از «شبه‌های تجاری و پیش‌تجاری و نظام مبادله چندپاره که در آن بیشتر تولید برای قوت لایموت بود» به اقتصاد بازار تبدیل کرد که در آن، میزان اندکی تجارت خارجی هم دیده می‌شد (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۷: ۶۳). از پیامدهای وابستگی بازارهای محلی ایران به بازارهای بین‌المللی، افزایش مرادده تجارت خارجی با ایران و وابستگی تجار ایرانی به مؤسسات بازرگانی غربی بود که زمینه را برای ورود روزافزون کالای خارجی به ایران، زوال صنایع داخلی و تبدیل تجار ایرانی به دلان کالاهای وارداتی هموار کرد (اشرف، ۱۳۵۹). در پی این تغییرات، بسیاری از اصناف و صاحبان مشاغل دچار بحران‌های اقتصادی و مالی شدید شده و بسیاری نیز ورشکست شدند و روند فروپاشی

کلاه‌فروشان، کفاشان و منبت‌کاران نیز کاهش یافت و به تدریج صاحبان این صنایع هم شهرها را ترک کردند (فوران، ۱۳۹۲: ۱۹۷).

با وجود افت انکارناپذیر صنایع دستی و بومی ایران در دوره قاجار، این دوره شاهد رشد برخی رشته‌ها از جمله حلبی‌سازی، اُرُسی دوزی (دوزندگی کفش‌های روسی) و عبافی بود (تحویلدار، ۱۳۸۸). اگر تجارت خارجی و واردات به صنایع دستی لطمه وارد کرد، در مقابل موجب ارتقاء صناعی مانند چرم، تریاک، حنا، ابریشم و مهم‌تر از همه صنعت قالی‌بافی شد که از گسترش بازارهای خارجی سود می‌برد (عیسوی، ۱۳۶۲) همچنین در این دوره اهتمام امیرکبیر به ارتقاء صنعت داخلی از جمله رواج پارچه‌های وطنی و حمایت مالی از پیشه‌وران قابل توجه است. (آدمیت، ۱۳۵۴) تأثیرات این اصلاحات مانند سایر جنبه‌ها زودگذر بود چرا که حکومت قاجار نیز در مجموع در اجرای برنامه‌های اصلاحات اقتصادی مثل اصلاحات گمرکی بسیار ناکارآمد بود و افزایش درماندگی‌ها، وضعیت پیشه‌وران و بازاریان را به وخامت کشاند. بنابراین، گسترش شیوه جدید زندگی و الزامات فردی و اجتماعی سبب تغییرات گسترده‌ای در الگوی مصرف و بهره‌گیری از وسایل گوناگون در زندگی روزمره شد. بخش مهمی از کالاها و وسایل مصرفی در سبک زندگی به شیوه جدید از خارج از کشور وارد و جایگزین تولید داخل شده و این امر به کاهش تقاضا در مورد کالاهای تولید داخل و تنزل ظرفیت‌های تولیدی و خدماتی اصناف دست‌اندرکار منجر می‌شد (یوسفی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۵۱).

در ۲۰ آذر ۱۳۰۵، با تصویب «قانون الغای مالیات‌های صنفی»، کلیه مالیات‌های صنفی در شهرها و قصبات و قراء، که به هر عنوان اخذ می‌شد، لغو و مقرر گردید از ابتدای ۱۳۰۶ نیز بابت مالیات جاری و بقایا وجهی مطالبه نشود. در این قانون، فهرستی از ۲۶۷ فقره مالیات مشاغل ازبین‌رفته یا در حال زوال، که توانایی پرداخت مالیات‌های مقرر در سال‌های قبل را نداشتند، درج شده است که برای آگاهی از نام و عنوان بسیاری از پیشه‌ها و حِرَف موجود در جامعه ایران در اوایل قرن حاضر بسیار مفید است؛ مشاغلی چون علاقبند (سازنده و فروشنده نخ و دگمه و سایر وسایل)،

کماج‌پز (شیرینی‌پز)، دوشاب‌پز (کسی که شیره پخته‌شده انگور یا خرما را می‌پزد)، موتاب (صنفي مانند زهتاب که موی بز به هم تاب می‌دهد و رشته موئین پدید می‌آورد) و نظایر آن (مختاری اصفهانی، ۱۳۸۰؛ روستایی، ۱۳۸۸). یکی از علل لغو مالیات‌های صنفی، سطح بسیار پایین درآمدهای این اصناف بود (فوران، ۱۳۹۲). مجلس برهمن اساس با تصویب قانون فوق، دریافت مالیات از اصناف ضعیف یا ازبین‌رفته را غیرقانونی می‌شمرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۳۳).

اقتضات دنیای نوین و افول مشاغل کهن

ورود فناوری جدید نیز از عوامل تضعیف مشاغل قدیم بوده است. برای نمونه، ورود و استفاده از اتومبیل در ایران از اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی، وضعیت بسیاری از مشاغل سنتی حمل‌ونقل را به چالش طلبید و موجودیت آنان را با خطر مواجه کرد؛ مثلاً درشکه‌چی‌ها و مُکاری‌ها که با وسایل قدیمی حمل‌ونقل همچون درشکه، شتر و قاطر امرار معاش می‌کردند، با رونق و استفاده از اتومبیل به‌عنوان وسیله‌ای سریع‌تر و باکیفیت‌تر برای حمل‌ونقل، معیشتشان دچار بحران شد. در اوایل سده حاضر، صاحبان چنین مشاغلی با توصیف اوضاع بحرانی شغلی خود، از دولت درخواست مساعدت داشتند (آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سند شماره: ۶/۲۰/۱۵/۲/۱۱۰). افزون‌بر درشکه‌چی‌ها، طیف وسیعی از مشاغلی چون آهنگر، نعل‌بند، سراج، سورچی و پالان‌دوز نیز که با سیستم حمل‌ونقل کهن ارتباط داشتند، با تهدید شغلی جدی مواجه شدند (مختاری، ۱۳۸۰).

افزون‌برآن، ظهور نظم اقتصادی جدید و گسترش مناسبات بازار جهانی در دوره معاصر و جابه‌جایی عظیمی که در نقش کشورهای جهان در زمینه تولید کالا و تأمین مواد اولیه و خام براساس نظم تقسیم کار جهانی رخ داد، روال‌های سنتی تولید و حِرَف را دگرگون کرد. برای مثال، افزایش قیمت مواد خام و اولیه تحت‌تأثیر قیمت‌های جهانی، به‌سرعت در قیمت کالاهای تولیدشده در داخل کشور تأثیر گذاشته و آنان را در برابر کالاهای ارزان خارجی ناتوان

این افراد نیز علاقه‌ای به فراگیری این پیشه‌ها نشان نمی‌دهند، در نتیجه این‌گونه مشاغل دچار بحران شده‌اند (یوسفی فر، ۱۳۸۹).

تجربه زوال مشاغل در جهان

در تمام جهان نیز پدیده‌ای از بین رفتن برخی مشاغل و جایگزین شدن آنها امری فراگیر است. با مراجعه به گزارش‌های مختلفی که هر سال از سوی روزنامه‌ها، سایت‌ها و مؤسسات دولتی و غیردولتی در مورد وضعیت اشتغال در کسب‌وکارهای سنتی و نوپا منتشر می‌شود، به این موضوع پی خواهیم برد که تهدید اصلی برای کسب‌وکارهای سنتی، پیشرفت فناوری است. برای مثال، حتی امروزه نیز استارت‌آپ‌هایی که در حوزه پرداخت به‌وجود آمده‌اند، درآمد خدمات بانکی را کاهش می‌دهند و آنهایی که در حوزه فروش کالاها فعالیت می‌کنند، فروشندگان خرد را از میدان خارج کرده‌اند. آنچه در این موضوع اهمیت دارد، درک فرایند از بین رفتن اشتغال بخش سنتی به‌سبب پیشرفت‌های فناوری است. بدین‌صورت که فناوری پیشرفت می‌کند، تولید به روش سنتی توجیه اقتصادی خود را از دست می‌دهد، کسب‌وکار فناورانه جدید جای مشاغل قدیمی را می‌گیرد و مجدداً فناوری پیشرفت می‌کند و همین چرخه ادامه می‌یابد. در مثالی از این روند، نقش اسب در تولید محصولات کشاورزی ابتدا کاهش پیدا کرد و سپس با معرفی تراکتور به‌طور کامل حذف شد (حسینی، ۱۳۹۶). در نمونه‌ای دیگر، استفاده از ماشین در اروپا به‌تدریج در صنعت تحولی ایجاد کرد. این روند که در انگلیس ظهور کرده بود، به‌مرور به کشورهای دیگر نیز راه یافت. اما صنعت بزرگ بی‌دردسر رواج نیافت چون با مخالفت پیشه‌وران مواجه بود و نتایج قابل‌توجهی از جمله هجوم به شهرهای بزرگ، تنزل دستمزد و افزایش رقابت‌ها داشت (دولاندلن، ۱۳۴۷: ۲۳۸). پس از انقلاب صنعتی، در انگلستان نیز صنایع و حرفه‌هایی بودند که به تباهی کشیده شدند و پیشرفت صنعتی آنها را از میدان به در کرد. نیم میلیون کارگر بافنده‌ای که با دستگاه دستی کار می‌کردند، آشکارترین نمونه است. آنها بیش از

می‌کرد. روند صنعتی شدن کشور نیز بازار مواد اولیه را با تقاضای روزافزونی روبه‌رو کرد و در نتیجه اصناف مربوط با چالش شکننده‌ای روبه‌رو شدند. برای نمونه، صنف مسگر در دهه‌های اخیر با چنین چالشی روبه‌رو شد و از غلبه بر بحران‌های ناشی از آن ناتوان ماند. گاه به‌علت آنکه ماده اولیه موردنیاز یک صنف از خارج کشور تأمین می‌شد، سرنوشت آن حرفه دستخوش تلاطم می‌شد. در نمونه‌ای دیگر، واردات ورقه‌های ورشو که در لهستان تولید می‌شد به کشور تنزل کرد، بنابراین مشاغل مرتبط با تولید لوازم و ظروف ورشویی در داخل کشور از جمله در شهر بروجرد دچار رکودی شدید و فعالیت در این پیشه پس از آن ناممکن شد. در اینجا باید به‌ویژه از عدم به‌کارگیری ابزار و وسایل نوین در فرایند تولید و عرضه محصولات و کالاها توسط صاحبان برخی مشاغل به‌منزله عاملی مؤثر در افول این حرفه‌ها یاد کرد. این نقیصه علاوه‌بر اینکه هزینه‌های تولید را بالا می‌برد، از توان رقابت محصولات تولیدشده با موارد مشابه می‌کاست. از این‌رو محصولات برخی از این اصناف از جمله مسگران و آهنگران بیشتر جنبه تزئینی یافته و از چرخه تقاضاهای مربوط به زندگی روزمره مردم حذف شدند. هم‌زمان با موارد فوق، باید از بروز شکاف و انقطاع نسلی نیز به‌مثابه عاملی اجتماعی در کمرنگ شدن برخی مشاغل یاد کرد. در گذشته، فنون و رموز هر حرفه نسل‌اندز نسل به فرزندان و شاگردان استادکاران و صاحبان مشاغل انتقال می‌یافت و تربیت اجتماعی و حرفه‌ای کارآموزان با تربیت فنی و علمی و اخلاقی آمیخته بود. با تکوین نظام تعلیم و تربیت نوین در کشور و گرایش عموم به تحصیلات نوین و دانشگاهی، به‌تدریج شماری از فرزندان کسبه و اصناف، به رغبت یا اجبار، آموزش‌های نوین و تخصص‌های نامرتبط با حرفه خانوادگی و موروثی خود را فرا گرفته و در حوزه‌های جدید شغلی و اداری به کار مشغول شدند. از جمله پیامدهای درازمدت این روند این بود که جریان انتقال موروثی تجربیات حرفه‌ای دچار مشکل شد. به‌سبب آنکه در شماری از مشاغل در حال زوال، نه‌تنها داوطلبان بانگیزه‌ای برای فراگیری وجود ندارد، بلکه حتی فرزندان

پیش تحت فشار بودند و به عبث می‌کوشیدند تا با کار بیشتر و ارزان‌تر با دستگاه‌های تازه رقابت کنند درحالی‌که مزد آنها بین سال‌های ۱۸۰۵ و ۱۸۳۳ از ۲۳ شیلینگ در هفته به ۶ شیلینگ سقوط کرد (هابسبام، ۱۳۸۷: ۱۰۶). لودی‌ها، صنعتگران نساجی انگلیس، یکی از مشهورترین نمونه مشاغلی بودند که با ورود فناوری شغل خود را از دست دادند. آنها به شدت نسبت به ماشین‌آلات نساجی جدید واکنش نشان دادند، اما در نهایت از چرخه رقابت حذف شدند (Nybergh, ۲۰۱۶).

مشاغل دوره‌گرد

در اینجا اشاره به برخی مشاغل که مکان ثابتی نداشتند و با پراسه زدن در کوی و برزن، کالاها را می‌فروختند یا به تعمیر اشیای خانگی می‌پرداختند نیز ضروری است. این دسته از پیشه‌وران دوره‌گرد با عرضه انواع خوراکی و کالا در محله‌ها در یک نقطه یا با گردش در محله‌ها به فروش محصولات خود می‌پرداختند. لبویی، دوغی، گردویی، چاقاله بادامی، عدسی‌فروشی و نظایر آن را می‌توان در این دسته نام برد (شهری، ۱۳۶۹، ج ۶). برخی از دوره‌گردان اهل فن بودند و از راه عرضه مهارت‌های فنی خود به مردم روزگار می‌گذراندند، مانند چینی‌بندزن‌ها، چاقوتیزکن‌ها، لحاف‌دوزان و مانند آن (بلوکباشی، ۱۳۸۷).

ضرورت و چگونگی احیای مشاغل قدیمی و بهره‌گیری از ظرفیت آموزش‌های علمی-کاربردی

بسیاری از مشاغلی که در معرض زوال و فراموشی قرار گرفته‌اند دارای ظرفیت‌های بالقوه فراوانی برای بهره‌برداری هستند که با شناخت آنها می‌توان از این ظرفیت‌ها برای استفاده از جامعه امروز سود جست. بسیاری از حرف‌کهن را می‌توان با توسل به حداقل سرمایه و امکانات بومی کشور دوباره به منزله یک کسب‌وکار احیا و با نیازهای امروزی جامعه ایرانی منطبق کرد. برای مثال، گروهی از شغل‌ها در سال‌های اخیر با توجه به گرایش عمومی به آنها جانی دوباره گرفته‌اند، از جمله مسگری و عطاری که هر دو با توجه به

علاقه و گرایش عموم به طب سنتی ایرانی و اعتقاد به مضر بودن ظروفی چون تفلون و بی‌رغبتی و بی‌اعتمادی به استفاده از داروهای شیمیایی، در معرض توجه‌اند. چنان‌که امروزه کمتر خیابانی هست که مغازه عطاری در آن نباشد. بسیاری از این شغل‌های فراموش شده از لحاظ ابزار و سبک زندگی را می‌توان مجدداً به‌عنوان کسب‌وکاری کوچک احیا کرد. این کسب‌وکارها با حداقل امکانات، ابزار و سرمایه و با بهره‌گیری از فناوری‌های بومی کشور و همسو با سلائق و علائق مردم، راهی برای احیای مجدد برخی شغل‌ها محسوب شوند. بخشی از این مشاغل حتی می‌توانند به‌عنوان نوعی جاذبه گردشگری فرهنگی مورد توجه گردشگران خارجی قرار گیرد و از این مسیر ضمن معرفی فرهنگ غنی و سطح بالای مهارت‌های فنی پیشینیان به مردم جهان، به وجه درآمدزایی این جاذبه‌ها نیز توجه کرد. یکی از ساده‌ترین و عملی‌ترین راهکارها در حوزه گردشگری، حفظ مشاغل محلی در جهت ارتقاء هویت محلی و به تبع آن جذب گردشگر است. بسیاری از مشاغل می‌توانند با حمایت و برنامه‌ریزی دولت، شهرداری‌ها و استانداری‌ها باقی بمانند. این شغل‌ها را می‌توان حفظ کرد، اما نه به شکل کامل، چرا که دیگر جامعه نیازی به این مشاغل ندارد. معمولاً این مشاغل به‌یکباره از بین نمی‌روند. در بسیاری از کشورها مانند انگلستان، مشاغلی را که از رده خارج می‌شوند به‌صورت نمادین حفظ می‌کنند و به‌صورت گلخانه‌ای نگه می‌دارند. در ایران نیز با سامان‌دهی این مشاغل و تبدیل آنها به پتانسیلی برای جذب گردشگر می‌توان از آنها استفاده کرد. برای نمونه، شغل عصاره‌گیری (روغن‌کشی از محصولات گیاهی) و یخنی‌پزی (یخنی: گوشت آب‌پز) را می‌توان به یکی از نمونه‌های جذاب گردشگری تبدیل کرد (اثنی‌عشری، ۱۳۹۳: ۳۷).

استفاده از ظرفیت آموزش‌های علمی-کاربردی به‌عنوان مراکزی برای آموزش‌های مهارت‌محور، عامل مؤثری در احیای اصولی و علمی بسیاری از مشاغل است. در گذشته، مهارت‌های شغلی در حین کار آموخته می‌شد، اما این روند آموزش سنتی دچار انقطاع شده و این آموزش‌ها دیگر به‌صورت بین‌نسلی و روش قدیمی استاد-شاگردی صورت

دهخدا، ع. ا. (۱۳۴۹). *لغتنامه دهخدا*. تهران: مؤسسه دهخدا

رزاقی، ا. (۱۳۸۱). *اقتصاد ایران*. تهران: نی.

رنجبران، ف. (۱۳۹۲). بازار همدان، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایران‌شناسی). بنیاد ایران‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی: تهران.

روستایی، م. (۱۳۸۸). معرفی سندی از صنوف و مشاغل عهد رضاشاه. *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ۱۳۹، ۸۱-۸۴.

سیف، ا. (۱۳۷۳). *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*. تهران: چشمه.

شهری، ج. (۱۳۶۹). *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*. چاپ دوم، تهران: رسا.

صفری، ر. (۱۳۹۰). وضعیت حرف و مشاغل و اصناف بازار کرمانشاه در دو قرن اخیر، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایران‌شناسی). بنیاد ایران‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی: تهران.

عیسوی، ج. (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران*. (ترجمه یعقوب آژند). تهران: گستره.

فلور، و. (۱۳۷۱). *جستارهایی از تاریخ اجتماعی مردم ایران، اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران*. (ترجمه ابوالقاسم سری). جلد ۶، تهران: توس.

فلور، و. (۱۳۹۳). *صنایع کهن در دوره قاجار*. (ترجمه علیرضا بهارلو). تهران: پیکره.

فوران، ج. (۱۳۹۲). *مقاومت شکننده*. (ترجمه احمد تدین). تهران: رسا.

قاجارقوانلو، ز. (۱۳۸۲). *نفوس ارض اقدس، مردم مشهد قدیم*. تصحیح مهدی سیدی، مشهد: مشهد: مهبان.

کرزن، ج. (۱۳۸۷). *ایران و قضیه ایران*. (ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

مختاری اصفهانی، ر. (۱۳۸۰). *اسنادی از انجمن‌های بلدی تجار و اصناف ۱۳۲۰-۱۳۰۰*. تهران: خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر ریاست جمهوری.

مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری نیروی کار ۱۳۹۶، برگرفته از: https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1396/n_nank_sal96.pdf

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (شهریورماه ۱۳۹۶). تحلیل الگوی اشتغال در بخش صنعت ایران (با بررسی طرح کارانه اشتغال برای جوانان (کاج)). معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی، دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی و اسلامی (لوح مشروح). مرکز پژوهش‌های کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

معین، م. (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: امیرکبیر.

مهبینی خداوردی، ا. (۱۳۸۸). بازار خوی، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایران‌شناسی). بنیاد ایران‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی: تهران.

هابسبام، ا. (۱۳۸۷). *صنعت و امپراطوری*. (ترجمه عبدالله کوثری). تهران: نشر ماهی.

نمی‌گیرد؛ بنابراین بحث آموزش‌های حرفه‌ای مطرح شده است. مراکزی چون مراکز آموزش علمی-کاربردی می‌توانند با پر کردن این خلأ به تداوم و حفظ حیات این مشاغل یاری برسانند. با توجه به رواج مدرک‌گرایی در جامعه امروز، از آنجاکه این حرفه‌ها در دانشگاه‌ها تدریس نمی‌شوند، در بسیاری موارد فاقد ارزش تلقی می‌شوند که با گنجاندن آموزش این رشته‌ها در مراکز آموزشی می‌توان به حل این معضل یاری رساند. امروزه اغلب نیروی کار حاضر در مشاغل کهن را کهنسالانی تشکیل می‌دهند که با مرگ آنان، عرصه این حرف از تجربه و فنون مرتبط تهی می‌شود، درحالی‌که کشور ما شاهد وفور مهندسان تحصیل‌کرده دانشگاهی و فاقد مهارت‌های لازم و کارگر غیرماهر است و از کمبود تکنسین رنج می‌برد.

کتاب‌شناسی

آدمیت، ف. (۱۳۵۴). *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی.

آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سند شماره: ۶/۲۰/۱۵/۲/۱۱۰.

آیت‌الله‌زاده شیرازی، ب. (۱۳۵۸). *بافت قدیم تهران و طرح سازماندهی بازار*. جلد ۲، تهران: بی‌نا.

اتاق اصناف تهران. (۱۳۹۹). لیست اتحادیه‌های تحت پوشش اتاق اصناف تهران. برگرفته از: <http://www.otaghasnaftehran.ir/wp-content/uploads/2019/10/Jadval.pdf>

اتحادیه، م. (۱۳۷۷). *اینجا تهران است*. تهران: نشر تاریخ ایران.

اثنی‌عشری، ف. (۱۳۹۳). مشاغل فراموش‌شده، سرگذشت بازار. گفت‌وگو با شهرام یوسفی‌فر درباره پست‌اندازی بازار تهران. *هفته‌نامه اقتصادی تجارت فردا*، ۲(۸۹)، ۳۶-۳۹.

اشرف، ا. (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*. تهران: زمینه.

اشرف، ا. و بنوعزیزی، ع. (۱۳۸۷). *طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران*. (ترجمه سهیلا ترابی فارسانی). تهران: نیلوفر.

بلوکباشی، ع. (۱۳۸۷). «گروه‌های شغلی-صنعتی تهران». در کاظم موسوی بجنوردی (زیرنظر)، *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی* (ج ۱۶، صفحات ۵۱۶-۵۱۸). تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

تحویلدار، م. (۱۳۸۸). *جغرافیای اصفهان*. به کوشش الهه تیرا، تهران: اختران.

حسینی، م. (۱۳۹۰). نابودی مشاغل. برگرفته از: <http://www.tejaratefarda.com/%D%A/%9/84>

دولاندن، ش. (۱۳۴۷). تاریخ جهانی. (ترجمه احمد بهمنش). ج ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران

مشاغل فراموش شده

یوسفی فره، ش. (۱۳۸۹). سرگذشت بازار بزرگ تهران، بازارها و بازارچه‌های پیرامونی آن در دو دهه سال اخیر. تهران: بنیاد ایران‌شناسی.
Nybergh, T. (۲۰۱۶). ۱۲ professions that got disrupted by technology. Retrieved from: <http://www.whizzpast.com/۱۲-professions-got-disrupted-technology/>

زهرة شیرین‌بخش (بنیاد ایران‌شناسی)

معادل‌ها

Luddites	لودی‌ها
----------	---------



دانشگاه آموزش عالی - کاربردی